

برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تعادل اقتصادی در پرتو نظم عمومی قراردادها

علی رستمی فر

دانشجوی رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

قاسم محمدی^۱

استادیار گروه حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

نجم‌الدین الماسی

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

یدالله دادگر

استاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴

چکیده

برنامه‌ریزی منطقه‌ای طیف گسترده‌ای از موضوعات را دربر می‌گیرد. توسعه اقتصادی و ساختار سیاسی دارای رابطه تنگاتنگ و متقابل می‌باشند. یکی از موانع اصلی و مهم در روند توسعه ملی، برهم خوردن تعادل و توازن منطقه‌ای به شمار می‌رود. از این رو اولین گام در برنامه ریزی منطقه‌ای، شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر از نظر توسعه و علت نابرابری‌ها است. در واقع موضوع برنامه ریزی منطقه‌ای تحت تأثیر مقتضیات حقوقی، سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور، مرتباً دچار تحول و تغییر شده و در این میان گاه به عنوان ابزاری برای سرمایه گذاری در مناطق توسعه نیافته، گاه به عنوان ابزاری برای تمرکز سرمایه گذاری در مناطق مستعد، زمانی برای منطقه‌ای کردن برنامه‌های بخشی، و زمانی هم به صورت برنامه ریزی جامع منطقه‌ای و مانند این‌ها مورد استفاده می‌باشند. ساختار تمرکزگرایی روزافزون و رویکرد بخشی در برنامه‌ریزی‌ها، ابهام در جایگاه حقوقی و قانونی و ضمانت اجرایی برنامه ریزی منطقه‌ای، عدم اعتقاد به برنامه ریزی و فقدان فرهنگ برنامه ریزی در سطوح مختلف مدیریت اقتصادی کشور، نبود بسترهای لازم و مطلوب به منظور جلب مشارکت مردم و بخش خصوصی و نظایر این‌ها از جمله موانع اساسی در راه تکامل برنامه ریزی منطقه‌ای در ایران و عدم تعادل اقتصادی می‌باشد.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تعادل اقتصادی، توسعه اقتصادی

مقدمه

انسان در دنیای امروزی ناگزیر به پذیرش این واقعیت است که تغییرات جوامع بشری به صورت خطی و مسیر واحد نمی‌باشد و در نتیجه برنامه‌ریزی برای آینده این جوامع نیز نمی‌تواند به صورت خطی در جهت آینده واحد و قطعی باشد. به همین دلیل برنامه‌ریزی برای انواع آینده‌های ممکن و احتمال‌پذیر، فراتر از روش‌های سنتی پیش‌بینی به روش‌های پویاتر، بازتر و فراگیرتر نیاز دارد. روند تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دهه‌های اخیر و گوناگونی بستر جغرافیایی، به گسیختگی نظام فضایی استقرارگاه‌های انسانی منجر شده است.

با توجه به نظام برنامه‌ریزی متمرکز و بخشی‌نگر کشور از یک سو و الزام به تمرکززدایی از سوی دیگر، تمرکززدایی در برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای و تعریف و تبیین چارچوب‌های قانونی و نهادی مشخص برای این مقوله همواره ذهن برنامه‌ریزان و کارشناسان را به خود مشغول داشته است. گفتنی است که با وجود کوشش‌های منطقی و تعیین‌کننده‌ای که طی سال‌های اخیر، به ویژه در برنامه چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، به عمل آمده، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای و جایگاه آن در نظام برنامه‌ریزی کشور، همچنان چالشی درخور تلاش‌های بیشتر و گسترده‌تر به شمار می‌آید. چرا که نابرابری منطقه‌ای با مسائلی که به دنبال خود دارد به عنوان مانعی بر سر راه توسعه متوازن و پایدار عمل می‌کند. نابرابری منطقه‌ای دارای آثار منفی مخصوص به خود است. اول از همه این که، نابرابری منطقه‌ای امکان استفاده بهینه از منطقه را از جامعه سل می‌نماید. دوم، این نوع نابرابری در رابطه با سایر نابرابری‌های اجتماعی موجبات تراکم جغرافیایی فقر (جدایی‌گزینی منطقه‌ای) را فراهم می‌سازد و به این ترتیب به نوبه خود استثمار و محرومیت را به طور مضاعف تشدید می‌کند. نابرابری منطقه‌ای از طریق تضعیف انسجام منطقه‌ای می‌تواند به طور بالقوه انسجام اجتماعی را تحت تاثیر قرار دهد و پایه‌های نظم اجتماعی را متزلزل کند. بالاخره آن‌که، نابرابری منطقه‌ای، نقش موثری در تشدید مهاجرت دارد و از طریق توزیع هیمنه جمعیت و متعاقب آن فعالیت در منطقه را غیرممکن می‌سازد. بدون تردید، برنامه‌ریزی اجتماعی نیز برای جوامعی که از نابرابری شدید منطقه‌ای رنج می‌رند، راه به جایی نخواهند زد. نگاهی تاریخی به روند شل‌گیری، تکوین و تکامل اندیشه برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، و تلاش در جهت کاهش آن، خود به مثابه بخش مهمی از توسعه پایدار محسوب می‌شود.

۱. نگرش‌های اجتماعی-اقتصادی به تعادل اقتصادی

ایرادات وارده بر افکار فردگرایانه موجب گردید نگرش‌ها به حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادها متحول گردد قرن بیستم قرن تحول در مفاهیم و نگرش‌ها به حقوق قراردادها تلقی می‌گردد، نگرش فردی سرسختانه قرن نوزدهم به قراردادها و رهیافت‌های جدید و نضج افکار اجتماعی به قراردادها موجب گردید موضوع عدالت اجتماعی در قراردادها مطرح گردد به باور هل‌سینگ بسیاری از افراد در بسیاری از موقعیت‌ها آزاد و مختار نبوده^۱ و قدرت نابرابر معاملاتی طرف قدرتمند معامله به وضوح نشانگر عدم آزادی کامل اراده طرف ضعیف بوده و بایستی در خصوص حمایت از طرف ضعیف برای حمایت از توزیع عادلانه منافع اقتصادی بین طرفین قرارداد چاره‌جویی گردد. از

² Hesselink, Marijin W, Social Justice in the DCFR, p7

طرف دیگر علت سمت و سوء دادن به تعادل و شناخت منافع متضاد و آزادی‌های گوناگون و تاکید بر وضعیت غالب در گرو شناخت زندگی اجتماعی است.^۱

فایده گرایان نقش دولت را در تحدید آزادی قراردادی، ساماندهی و شکل‌گیری ساختارهای آن و ارشاد فعالیت‌های افراد جامعه بی‌بدیل ارزیابی و چهارچوب‌های تعادل اقتصادی را در قراردادها با مداخله دولت مرتبط می‌دانند. بنتام (۱۸۳۲-۱۷۴۸) یکی از پایه‌گذاران مکتب فایده‌گرایی معتقد است، خودپرستی اقتضا دارد افراد به منافع دیگران نیز بیندیشند زیرا در غیر این صورت منافع فرد هم تامین نمی‌شود. گاه پرهیزگاری ایجاب می‌کند که شخص از پاره‌ای از لذت‌ها بگذرد، ولی این خودداری نیز به خاطر، دست یافتن به لذت‌های بزرگتر است. زیرا غریزه سودجویی حکم می‌کند برای رسیدن به لذت‌های بیش‌تر از خوشی کم‌تر، صرف نظر شود.^۲ نگرش مکتب فایده‌گرایی بر این پایه استوار است که دولت می‌تواند با اتخاذ ساز و کارهای مناسب در راستای افزایش سودکلی جامعه یا تقسیم عادلانه سود میان اعضای جامعه و تصویب و سیاست‌گذاری در این حوزه بستر مناسب ایجاد نماید. از نظر بنتام دو عنصر توقع مشروع و امنیت نقش مهمی را در حوزه حقوق قراردادها ایفا می‌نماید. پیشگامان مکتب فایده‌گرایی ضمن محدود نمودن حاکمیت اراده معتقدند دولت براساس مسئولیت اجتماعی خود بایستی رفاه عده‌ای را فدای افزایش رفاه دیگران نماید. اما علیرغم قابل‌پذیرش بودن نظریات فایده‌گرایان در برخی از حوزه‌های نظری که از نظر ماهیت مشابهت با پیامدگرایی دارد، به لحاظ فنی ایرادات مهمی بر نظریات آن‌ها وارد است از لحاظ مفهومی برخورد یکسان با افراد با تکیه بر محاسبه سود هر فرد، افراد را به عنوان ابزار تامین‌کننده اهداف دیگران قلمداد فرض می‌نماید و مفهوم مساوات اخلاقی فدای آمال دیگران می‌گردد و چه بسا ارزش‌های موردنظر توسط عده‌ای از افراد رعایت و بدین سان حقوق اقلیت فدای منافع اکثریت گردد. از منظر مکتب رفاه‌گرایی حداکثری وظیفه دولت افزایش رفاه می‌باشد و هیچ‌گونه وظیفه‌ایی برای دولت در حوزه تحقق عدالت اجتماعی متصور نیست، حقوق‌دانانی مانند کاپلو و شاول با قراردادن انصاف در مقابل رفاه معتقدند مفاهیم عدالت و انصاف نبایستی ابزاری برای هدایت تصمیمات سیاسی باشند. آن‌ها با ترسیم نگرش مدرن به منفعت‌گرایی و ارائه نگرش‌های جدید به تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها قائل به این می‌باشند که حقوق قراردادها همانند سایر رشته‌های حقوق بایستی در خدمت حداکثرسازی رفاه جامعه و به عبارتی افزایش رفاه افراد باشد^۳ به اعتقاد طرفداران مکتب رفاه‌گرایی حداکثری قرارداد را نبایستی به عنوان ابزاری برای توزیع عدالت و رفاه در جامعه تصور کرد زیرا توزیع عدالت با پشتوانه بسته مالیاتی تحقق می‌یابد و حقوق قراردادها در این خصوص از کارایی لازم بهره‌مند نیست. ^۴ ایرادات وارده بر مکاتب رفاه‌گرایی از یک سوء و مشکلات لیبرالیسم اقتصادی و فردگرایی و تلقی حقوق قراردادها به عنوان ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی موجب گردید اهمیت اصل آزادی قراردادها با چالش مواجه گردد، برخی از حقوق‌دانان و اقتصاددانان مداخله دولت به عنوان سیاست‌گذار اقتصادی و مسئولیت حاکمیتی توجیه نموده‌اند لذا نقش مداخله دولت با استناد به اصول و چهارچوب نظری فوق در اصل آزادی قراردادها برای نیل به عدالت اجتماعی مورد

^۱ ۲۱ م عبدالباقی البکر ود، علی محمد بدیر وم،زهیر البشیر المدخل لدراسة القانون ص ۲۸

^۲ - پیلوار، همان منبع، ص ۳۰۶

^۱- Kaplow L, Shavell S, Fairness Versus Walfar, Cambridge, Massachusetts, Harvard University press, 2002, p21

^۲- Kaplow L, Shavell S, Why the legal System is Less efficient than the income tax in redistributing income, Legal Study 23, 1994, p.667.

پذیرش قرار داده‌اند و تاکید دارند عدالت اجتماعی و توزیعی از بستر حقوق قراردادها محقق می‌گردد.^۱ پروفیسور کولینز ضمن برجسته نمودن نقش قراردادها بر عدالت توزیعی با بیان ساده ابراز می‌دارد، حقوق قراردادها می‌تواند اساس و محور اجرای آرمان‌های سوسیالیسم را به دنبال داشته باشد، طرفداران مکتب عدالت اجتماعی با تاکید بر ساختار اجتماعی و تبیین زندگی جمعی معتقدند همزیستی افراد در زندگی روزمره و جامعه داخلی و بین‌المللی به گونه‌ای است که انسان بر رفع نیازهای خود ناگزیر از انعقاد قرارداد در روابط خصوصی بوده و این امر تضمینی است برای بهتر زیستن و از طرف دیگر قدرت معاملاتی و مانور برخی از نقش‌ها همانند کارفرما، تاجر، بیمه‌گر نسبت به کارگر، مصرف‌کننده و بیمه‌گذار و غیره برتری داشته و این امر خود زمینه نابرابری را تشدید می‌نماید لذا قراردادهای خصوصی به تنهایی قادر به تنظیم تعادل اقتصادی قراردادها نبوده و ناگزیر برای تعادل اقتصادی قراردادها بایستی دولت در حقوق قراردادها برای تحقق عدالت اجتماعی مداخله نماید، کرونمن با دفاع از نقش حقوق قراردادها در زمینه عدالت توزیعی در مقاله حقوق قراردادها و عدالت توزیعی رابطه حقوق قراردادها با عدالت توزیعی را مورد بررسی قرار داده و معتقد است حقوق قراردادها باید برای اهداف توزیعی مورد استفاده قرار گیرد و اجتناب از بکارگیری راه‌های جایگزین را که پر هزینه و نادرست است را توصیه می‌نماید.^۲ کرونمن اختیاری و ارادی بودن قراردادها را بر پایه عدالت توزیعی توجیه می‌نماید و بر همین مبنا ایده توافق ارادی را مساوی با مفهوم توزیعی می‌داند لذا صرف تکیه بر آزادی فردی هیچگونه رهنمودی در روابط معاملاتی از حیث امتیازگیری و توافقات غیر ارادی را دریافت نمی‌دارد. کرونمن مقبولیت اخلاقی حقوق قراردادها را در عدالت توزیعی مورد توجه قرار می‌دهد و اصل پاترنالیسم که وی پیشنهاد می‌دهد بدین مفهوم است که اصل مذکور معیاری اخلاقی است برای تفکیک بین اشکال قابل قبول و غیرقابل قبول امتیازگیری و انتخاب شیوه توزیعی متضمن موضوعات اخلاقی و مسایل مصلحتی خواهد بود، به نظر کرونمن بایستی جهت تحقق عدالت توزیعی و برقراری تعادل قراردادها در قواعد حقوق قراردادها مداخله جست و برخلاف لیبرال‌ها که مداخله در قواعد حقوق قراردادها را نفی و توزیع عدالت را در رهیافت ابزار مالپاتی جست و جو می‌نمودند افکار منع مداخله دولت در قراردادها را مروج بی‌عدالتی اجتماعی و قربانی کردن اصول عدالت می‌دانستند. قراردادها ابزاری در جهت توزیع ثروت بوده و مالیات هم ابزار دیگری برای توزیع ثروت تلقی می‌گردد اما فاکتورهای فوق هر کدام دارای مزیت‌های مرتبط با خود می‌باشند به اعتباری هیچ شیوه و روشی ذاتاً "مقدم و ارجح نیست با آن که طرح توزیع متضمن تضاد مابین عدالت توزیعی و آزادی فردی است.^۳ حتی لیبرتارین‌ها و حتی لیبرال‌ها حقوق قراردادها را مکانیسمی برای توزیع عدالت نمی‌دانند، اما استفاده از حقوق قراردادها را امری اشتباه از لحاظ اخلاقی تصور نمی‌نمایند. ، لیبرتارین‌ها به حق اخلاقی اشخاص در انعقاد هرگونه قرارداد و توافق اذعان دارند با این وجود امر فوق را محدود به عدم نقض حقوق اشخاص ثالث می‌نمایند. از نگرش لیبرتارین‌ها تعادل اقتصادی قراردادها در موارد ذیل هر چند مبتنی بر توافق باشد

³⁻ Kennedy, D, Distributive and Paternalist Motives in Contract and Tort Law, With Special Reference to Compulsory Terms and Unequal Bargaining Power, (1982) 41 Maryland Law Review,

⁴⁻ Kronman, Anthony, op. cit, p474

¹⁻ Ibid, p474

²⁻ Ibid, p475

از بین می‌رود مورد اول اینست که در نتیجه توافق حقوق اشخاص ثالث که طرف قرارداد نبوده نقض گردد و مورد دو اینکه یکی از طرفین قرارداد اجبار به توافق شده و رضای یکی از طرفین در انعقاد قرارداد بصورت ارادی وجود نداشته باشد. هر چند نظریات کرونمن در حوزه تحقق عدالت اجتماعی در قراردادها تاثیرگذار بوده اما نظریات کرونمن در برخی از حوزه‌ها نتوانسته پاسخ گوی ضروریات باشد و نکته تعادلی قراردادها را محفوظ دارد، تمرکز صرف بر عدالت توزیعی به اعتقاد هوپا ماهیت خصوصی معاملات قراردادی را تحت الشعاع قرارداد و این امر بی توجهی به اصل نسبی بودن قراردادها را توسعه می‌دهد. و در صورتی که تعهدات قراردادی حقوق اشخاص ثالث را نقض و یا تعهداتی بر ثالث تحمیل نماید و از این بستر خساراتی ایجاد شود نحوه جبران خسارت چگونه خواهد بود و از سوی دیگر کرونمن هیچگونه توجهی به ایده رضایت مابین طرفین قرارداد را مورد توجه قرار نمی‌دهد و رکن اصلی اعتبار یک قرارداد از نگاه وی مغفول مانده است و مضافاً تلقی افراد از عدالت متفاوت و مبتنی بر سلیق و امیال شخصی است.^۱ عدالت اجتماعی در حقوق قراردادها، در بستر زمان در حال بسط و گسترش می‌باشد گروهی از اندیشمندان اروپایی در گروه مطالعه عدالت اجتماعی در حقوق قراردادها در سال ۲۰۰۴ مقاله‌ای را تحت عنوان «اعلامیه عدالت اجتماعی در حقوق قراردادهای اروپا» به رشته تحریر در آورده که مانیفست حقوق قراردادها و عدالت اجتماعی تلقی می‌گردد. ره آورد این مقاله تاکید بر رعایت عدالت اجتماعی و حقوق بنیادین در حقوق قراردادهاست. توصیه حقوقدانان پدید آورنده این مقاله بر این استوار است که اشخاص خصوصی می‌توانند خطری برابر یا حتی بیشتر از دولت را بر حقوق بنیادین شهروندان وارد نمایند لذا پیشنهاد می‌نمایند قانون مدنی جدید اروپا بایستی مبتنی بر حقوق بنیادین باشد. به اعتقاد نویسندگان مانیفست فوق، مقررات بازار و حقوق قراردادها بایستی به عنوان ابزاری در راستای تحقق اساسی‌ترین نیازهای شهروندان باشد از این منظر نقش آن در گردش سرمایه‌های مادی اهمیت نداشته زیرا شهروندان برای برطرف نمودن اولویت‌های زندگی خود همانند آب، برق، اخذ اعتبارات و ارتباطات روز به روز به بازار و حقوق قراردادها نیاز داشته و در شرایطی که در غالب موارد طرف آن‌ها از قدرت معاملاتی برتر و قدرتمندتر بهره مند است، منافع طرف ضعیف تر بایستی در روابط قراردادی به اندازه لازم مورد حمایت قرار گیرد.^۲

از طرفی جنبه اصلی و مهم مقررات بازار و نقش آن در گردش سرمایه‌های مادی بایستی به درستی درک شود تا ضمن دسترسی شهروندان به نیازهای اساسی و مرتفع شدن نیازها منافع آن‌ها نیز مورد حمایت قرار گیرد^۳، این گروه ۱۸ نفره از نویسندگان ضمن تاکید بر حمایت از ارزش‌های بنیادین در حقوق قراردادهای اروپا تدوین کنندگان قانون مدنی اروپا را به رعایت اصل فوق تشویق می‌نمایند، مهم‌ترین استدلال در توجیه نظریات نویسندگان فوق اینست که شهروندان نیازهای خود را از بازار تهیه و روز به روز وابستگی در این حوزه بیشتر می‌گردد و منافع افراد در روابط قراردادی بایستی به گونه ایی تامین که طرف مقابل که قدرتمندتر است مجالی برای سوءاستفاده از قدرت نداشته باشد و درک این مهم که طرفین خصوصی ممکن است خطراتی به مراتب بیشتر از دولت در جهت نقض حقوق

^۱- Hevia, Martin, Kornman on Contract Law and Distributive Justice, available at: <http://ssrn.com/abstract-14382333.p2>

^۲- Study Group on Social Justice in European Private Law, Social Justice in European Contract Law: a Manifesto, European Law Journal, Volume 10 No. 6, November 2004, p. 667.

^۳- Ibid, p667

بنیادین شهروندان به وجود بیاورند.^۱ به اعتقاد نویسندگان مانیفست کمیسیون اتحادیه اروپا در هنگام تدوین پیش نویس مقررات بکنواخت سازی حقوق قراردادهای اروپا، محافظه کاری را به خرج داده و سعی دارد از پرداختن به موضوعات واقعی اجتناب نماید، موضوعاتی که اولاً" ساختار اتحادیه اروپا بر هدف سیاسی مربوط به ارزش‌های بنیادین مشترک در حوزه‌های مربوط به جامعه و روابط اجتماعی و اقتصادی در روابط شهروندان استوار است و ثانیاً" برای ساختار اتحادیه نیاز به روش‌های جدید مبتنی بر ارزش‌های بنیادین مشترک وجود دارد که بایستی در حقوق قراردادهای و سایر گرایش‌های حقوق خصوصی نشان داده شود، اگر دولت‌ها به دنبال راهکاری برای کاهش مداخله خود در بازار هستند بایستی برای حل مشکلات مربوط به تامین و رفاه اجتماعی، ارتقاء کارایی و بهبود عرضه کالای عمومی ضمن ارائه مشوق و استفاده از راه حل بازار و تنسيق رقابت مورد توجه قرار گیرد. و با تکیه بر همین چهارچوب‌های نظری معتقدند نقش قرارداد به عنوان یک ابزاری که می‌تواند در خدمت تجارت و سیاست باشد مورد توجه قرار گیرد. از منظر نویسندگان مانیفست حقوق قراردادهای و عدالت اجتماعی تعادل اقتصادی قراردادهای مستلزم وجود لوازماتی بوده و یکی از لوازمات توجه به مسایل سیاسی در دکترین حقوق و بکنواخت سازی حقوق قراردادهای با اولویت توجه به عدالت اجتماعی است، بنابراین اصول حاکم بر معاملات که ریشه در حقوق خصوصی دارند به عنوان ابزار کلیدی و الترناتیوی نظم‌دهنده در اختیار دولت مدرن می‌باشد^۲، اما صرف تکیه بر داده‌های عدالت اجتماعی وعدم توجه به سایر جهات تعادل اقتصادی مطلوبیت مورد نظر در قرارداد را ایجاد نخواهد نمود، در موضوع قرارداد که دارای جنبه‌های مختلف و متنوع می‌باشد بایستی تمامی جنبه‌ها را در نظر گرفت، به نظر می‌رسد جنبه‌های تحلیل اقتصادی حقوق هم در کنار سایر اندیشه‌های نظری مورد توجه قرار گیرد طرفداران مکتب تحلیل اقتصادی، اعتقاد دارند که حقوق قراردادی معامله کارآمد را بهبود می‌بخشد به گونه‌ای که کالاها و خدمات از اشخاصی که ارزش کمتری برای آن‌ها می‌شناسند به اشخاصی که ارزش بیشتری را برای چنین کالاها و خدماتی قائل هستند منتقل می‌شود^۳ نگرش اقتصادی به حقوق از قرن بیست و یکم حاکم گردیده، در اقتصاد مبتنی بر رقابت، تعادل اقتصادی مطلوب مورد توجه می‌باشد و نقش مهم در قرارداد آزاد و منصفانه بر این پایه استوار است که کارگزار از عقلانیت کافی برخوردار و با امضای قرارداد در پی افزایش مطلوبیت خود باشد، باور طرفداران مکتب تحلیل اقتصادی بر اصل کارایی متمرکز بوده و بر همین مبنا ضمن دوری جستن از فایده‌گرایی است، در ساختار حاکمیتی دولت از منظر تحلیل اقتصادی اصل آزادی قراردادی بایستی در خدمت افزایش ثروت جامعه و توانمندی مردم باشد، در اقتصاد ترکیبی روش‌های تخصیص منابع از طریق بازار و دخالت دولت ترجیح دارد. در یک اقتصاد اصولی، تجاز و مصرف کننده از یک سو و فروشنده و تولید کننده در سوی دیگر از آزادی کامل در تصمیم به خرید یا تولید کالا برخوردار می‌باشند. تصمیمات با توجه به جوانب امر و بر طبق فرضیه رقابت در حوزه عرضه و تقاضا صادر می‌شود و مداخله دولت ناظر به مواردی است که بازار از کارایی درست برخوردار نبوده و ممکن است آثار نامطلوب را به جا بگذارد. زیرا در پارادیم عقل ابزاری تصور بر آن است که همه کارگزاران تنها

^۱- Ibid,p667

^۲- Social Justice Group, p. 655

یک هدف دارند و آن حداکثر کردن منافع شخصی شان است^۱ توجه افراد به منافع شخصی در روابط قراردادی موجب می‌گردد تعادل اقتصادی قرارداد با توجه به جوانب دیگر بهم خورد و برتری قراردادی یک طرف قرارداد ممکن است موجب محروم گردیدن طرف دیگر گردد. از طرفی کارکرد قرارداد بایستی در راستای انتخاب عقلانی و حداکثرسازی نفع جمعی باشد. اگر بخواهیم قرارداد را براساس تئوری بازی‌ها ارزیابی نماییم مقولاتی مانند نوع دوستی و رفتارهای همکارانه به وضوح خود را نشان خواهد داد برای رسیدن به تعادل اقتصادی در یک قرارداد با استمداد از تئوری بازی‌ها می‌توان یک تعادل را ایجاد نمود براساس این تئوری اگر افراد به جای تکیه صرف بر منافع شخصی شان مبادرت به مشارکت با دیگران نمایند، بیشترین منافع را برای اجتماع فراهم خواهند نمود که در ضمن خود این منافع، آنها نیز از یک منفعت بلندمدت و قابل اعتماد برخوردار خواهند شد^۲ و ترجیح فوق می‌تواند با تلفیق آزادی قراردادی و مطلوبیت یک تعادل کلی را در قرارداد ایجاد نماید. ریچاردستون آزادی قراردادی را در مفهوم وسیع آن با آزادی اقتصادی مترادف و معتقد است آزادی اقتصادی با توسعه اقتصادی ارتباط مستقیم دارد و مبادله آزاد کالاها، خدمات و سایر منابع کارایی را در تخصیص منابع جامعه بهبود می‌بخشد و ثروت جامعه را افزایش می‌دهد^۳ طرفداران فرضیه آزادی اقتصادی باور دارند که تعاملات بازاری موجب می‌شود خریدار و فروشنده در انتخاب شریک قراردادی آزاد بوده و مطلوبیت ذهنی خود از انعقاد قرارداد را به دست آورند و مبنای حقوقی معاملات بازاری در چرخه آزادی قراردادی تبیین می‌گردد. با تکیه بر چرخه مبادله آزاد کالاها، خدمات کارایی به سهولت بین کارگزاران جا به جا می‌گردد. از این رو آزادی اقتصادی نکته اتصال تعادل اقتصادی در قرارداد را عهده دار خواهد بود و پیش زمینه تعادل اقتصادی قراردادها رعایت اصل آزادی قراردادی است لذا تامین و همکاری آزادی بین اعضای جامعه ضروری است و رعایت دو اصل اخیر جامعه را به منافع می‌رساند. به اعتقاد پروفیسورهایتیس استاد حقوق اقتصادی دانشگاه شیکاگو قواعد حقوقی مبتنی بر نظریه اقتصادی حقوق قرارداد بایستی با عرف تجاری هماهنگ باشد و نتیجه چنین فرضی این است که اصل اولیه نظریه اقتصادی به قراردادها باید آزادی قراردادی باشد^۴ با اجرای اصل آزادی قراردادی، بازیگران بازار می‌توانند در یافتن بهترین شریک قراردادی، بهترین منابع و بهترین فرصت‌ها با هم رقابت نمایند. در نتیجه آزادی قراردادی و آزادی رقابت موجب شناسایی و حذف اتلاف منابع در جامعه می‌شوند^۵ تعادل قراردادها هم در واقع برقراری توازن بین منابع و قدرت معاملاتی از یک سو و همکاری متقابل اراده از سوی دیگر می‌باشد. بر اساس اصل آزادی قراردادی طرفین تصمیم می‌گیرند که برای رسیدن به مطلوبیت ذهنی موردنظر روابط معاملاتی خود را چگونه برقرار سازند و آزادی قراردادی به افراد این اجازه را می‌دهد که بهترین تصمیم برای تقسیم کار و تخصیص و استفاده از منابع کمیاب و مبادله آزاد کالاها و خدمات اتخاذ نموده و سعی خود را معطوف به همکاری متقابل نمایند و با تکیه بر این همکاری کمبودهای استعداد و توانایی خود را در برخی از موارد مرتفع سازند. لذا موارد فوق موجب می‌شود تخصیص‌های نادرست منابع ناشی از عدم

^۱ - دادگر، دکتر بدالله، درآمدی بر تحلیل اقتصادی حقوق، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم، چاپ دوم، سال ۱۳۹۰، ص ۲۶

^۲ - دادگر، درآمدی بر تحلیل اقتصادی حقوق، همان منبع، ص ۲۷

^۳ - انصاری، همان منبع، ص ۲۴۶

^۴ - همان منبع، ص ۲۴۶

^۵ - همان منبع، ص ۲۴۶

اطلاعات از بین رود و به اعتباری هر فردی نیازها و اولویت‌های خود را بهتر از دیگران و حتی بهتر از دولت می‌شناسد و تصمیمات کارآمد مستلزم آزادی قراردادی و به همین اعتبار پیش گفته آزادی قراردادی پیش شرط کارایی و توسعه اقتصادی و نهایتاً تعادل اقتصادی قراردادهاست، قراردادها بایستی به گونه طراحی شوند که ثروت را در جامعه به حداکثر رسانند لذا پیامد عوامل اقتصادی و کارکرد آن می‌تواند موازنه قراردادی بین طرفین را حفظ نماید.

نگرش سنتی اقتصاد خرد، در شرایط بازار رقابت کامل - که عوامل اقتصادی عاقل و اطلاعات کامل وجود دارد- چنین رفتاری (که در جهت به حداکثر رساندن مطلوبیت و سود صورت می‌گیرد) منجر به تخصیص کارآمد منابع می‌شود و در نتیجه تعادل اقتصادی قرارداد بین متعاملین ایجاد می‌گردد و وظیفه تعادل مذکور ایجاد بستر و زمینه‌ای است برای ثبات و دوام قراردادها، اگر شروط قرارداد ناکارآمد باشد و تعادل اقتصادی قرارداد را بهم ریزد لاجرم منطق اقتصادی بر دخالت دولت در بازار و حتی اصل آزادی قرارداد به منظور مرتفع نمودن نواقص قرارداد و کاهش هزینه‌های معاملاتی و پوشش ناکارایی برخی از شروط قراردادی است. وجود زمینه مبادله آزاد و برخورد آزادانه عرضه و تقاضا در شرایط رقابتی نوعی قیمت تعادلی به وجود می‌آورد که آن قیمت تعادلی خود علامت‌دهنده‌ای برای تخصیص کارآمد منابع کارگزاران محسوب می‌گردد علاوه بر آن عقلانیت هم به مدد آزادی قراردادی می‌تواند منابع را به سوی مسیرهای هدایت شونده ارزش آفرین رهنمون سازد رویکرد رفتار عقلانی از سوی کارگزاران مختلف ضروری است. در عقلانیت ابزاری اینگونه فرض می‌گردد که بازارها کامل و اطلاعات کامل وجود دارد، ترجیحات ثابت و یکسانی از سوی کارگزاران انفرادی مطرح است و در این صورت رفتار افرادی که به دنبال حداکثر منافع شخصی هستند باعث رسیدن به نوعی تخصیص بهینه از منابع خواهد شد. اما در عقلانیت محدود یا حد و مرزدار برخی از فرض‌های مربوطه مورد توجه قرار نمی‌گیرد بنابراین آثار و نتیجه آن رفتار عقلانی در چهارچوب اطلاعات ناقص، تفاوت ترجیحات و موارد مشابه مطرح خواهد بود^۱ بنابراین تعادل اقتصادی قرارداد تحت شعاع اطلاعات ناقص با مشکل مواجه خواهد شد و از سوی دیگر با تکیه بر عقلانیت در مفاد عمومی می‌توان هم زمان منافع فردی و جمعی را با هم حفظ نمود. بازارها دارای عرضه کنندگان و تقاضا کنندگانی است که برخورد طبیعی و آزاد آنها بصورت خودجوش قیمت مطلوب و موثری را تولید و تعادل را حاکم می‌سازد اما این تلقی نسبی است و کارآمدی و مطلوبیت یک قرارداد و حفظ تعادل آن می‌تواند به مولفه‌های دیگر وابستگی داشته باشد. به عنوان نمونه در علم اقتصاد، آخرین واحدهزینه، آخرین لحظه زمان، آخرین واحدمنافع، آخرین واحد بهره برداری و همانند این‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و در حقوق مولفه‌هایی همانند هزینه‌های فرصت، کارکرد قیمت و بازار و قوانین مرتبط با بازار و حقوق کار و مالکیت در بهره‌وری عوامل تولید، حفظ و ثبات قرارداد، تشویق رقابت و توجه به عناصر دیگر از جمله هزینه‌های فرصت و قاعده هزینه می‌تواند به عنوان عوامل تعادل قرارداد مورد توجه باشد. از طرفی رعایت قواعد بازی لازمه حرکت استاندارد کارگزاران می‌باشد، وجود رقابت، حرکت به سوی

^۱ - دادگر، درآمدی بر تحلیل اقتصادی حقوق، ص ۷۳

^۲ - همان منبع، ص ۱۱۴

^۳ - همان منبع، ص ۱۹

کارآیی، فراهم شدن فعالیت اقتصادی، علامت دهندگی قیمت‌ها، انجام آزاد مبادلات، وجود زمینه چانه زنی‌های انفرادی، دریافت هزینه فرصت برای تولید کننده و کسب رضایت مندی برای مصرف کننده به همراه حفظ حقوق دیگر بازی گران از جمله نشان‌های کارکرد قواعد بازی در بازار می‌باشد اصول حاکم بر تئوری بازی‌ها و عناصر آن همانند صداقت و شفافیت، رفتار همکارانه در جهت بالابردن منافع شخصی و اجتماعی می‌تواند موازنه قرارداد را حفظ نماید و تعادل اقتصادی قراردادها از این حیث تضمین نماید.

قراردادها در عصر حاضر متأثر از اقتصاد جهانی و منطقه‌ای بوده و در اقتصاد کشورمان با اعمال تحریم‌های نفتی ایران توسط امریکا و حذف معافیت‌ها از تحریم‌ها ارزش پول ملی دستخوش تحول و تنزل و حتی امکان اجرای تعهدات قراردادی خارجی برای سرمایه گذاران و تجار داخلی گردیده و خروج از برجام به نوعی اقتصاد ایران را با مشکلات شدید دچار نموده است لذا تاثیرات بسیار قابل توجه فعالیت‌ها و تصمیم گیری اقتصادی و سیاسی اجتماعی نقش بسزایی در سرنوشت قرارداد دارد، گرچه توجیهات و انتقادات وارده بر این دیدگاه قابل کتمان نبوده اما همچنان مفروضات و داده‌های این نظریه در اکثر قوانین دنیا مورد پذیرش قرار گرفته است.

مواد ۱۸۳ و ۱۹۱ قانون مدنی ایران و همچنین مواد ۲-۱۰۱ و ۲-۱۰۲ و ۲-۱۰۶ و ۲-۲۰۱ اصول حقوق قراردادهای اروپایی و همچنین برخی از مواد کنوانسیون بیع بین المللی اصول حاکم بر این نظریه را مورد پذیرش قرار داده‌اند، اصل آزادی و مسئولیت و اصل ضرورت حفظ ثبات و استحکام قراردادها و اصل امنیت حقوقی اقتضائات این نظریه بوده که با تلفیق نظم عمومی پولی و منفعت اجتماعی قرارداد هرگونه مداخله قاضی را در قرارداد منتفی می‌سازد، در فقه اسلامی نیز قاعده‌ای تحت عنوان من له الغنم فعيله الغرم توجیه کننده دیدگاه سنتی بوده زیرا دلیلی ندارد کسی که از قرارداد منتفع می‌شود تبعات منفی را متحمل نگردد.

۲. توجیه محل قرارداد و جهت قرارداد با نظم عمومی

از یک جهت محل عقد، رابطه قراردادی موضوع قرارداد است که اجازه می‌دهد جنبه‌های اقتصادی قرارداد مورد ارزیابی قرار گیرند، علاوه موارد فوق محل و جهت قرارداد توجه حقوقدانان را به خود جلب نمود، اهمیت محل (اعتبار) و جهت قرارداد از این حیث بوده که از این دو در تئوری عمومی تعهدات بعنوان شاکله صحت عمومی قراردادها یاد می‌گردد و فلسفه ضرورت شروط مذکور برای اعتبار و صحت قراردادها از این امر نشأت می‌گیرد که ممکن است قراردادها تحت شرایط و عوامل مختلفی منعقد و قرارداد را از مسیر اصلی خود که همانا دارا بودن تعادل اقتصادی بوده منحرف و یکی از متاقدین منافعش قربانی اشتباه و یا تدلیس و استثمار قرار گیرد و این موارد در تعادل روابط قراردادی تاثیر گذاشته و بدین جهت است که محل و جهت قرارداد را از عناصر اصلی اصول عدالت قراردادی یاد می‌شود و تکیه بر این عناصر تضمین کننده اجرای قراردادی را فراهم سازد، آزادی قراردادی در اینگونه موارد پاسخگوی مناسب نبوده و با تکیه بر نظم عمومی می‌توان صیانت از تعادل قراردادها را تضمین نمود، لذا نظم عمومی بعنوان یک ابزار حمایتی می‌تواند با ساز و کارهای مناسب مبتنی بر مداخله قانونگذار و قاضی و عبارتی

کلی تر دولت بی عدالتی وعدم تعادل اقتصادی قراردادها را مرتفع با اقدامات موثر گامی در جهت عدالت قراردادی و تعادل اقتصادی قراردادها بر دارد.

در مرحله تشکیل قرارداد اولاً دو واژه مذکور ملازمه کامل با هم در جهت حمایت از وجود قرارداد و حمایت از مشروعیت و حمایت از طرفین ضعیف در روابط قراردادی دارد^۱ تحولات مربوط به محل قرارداد امروزه در کانون توجه بوده و هدف از این مهم حمایت از اراده طرفین است بنحوی که نتوان با قید و بندی بر آن محدودیتی وارد نمود. اما بیان این نکته قبل از طرح مباحث این فصل مهم بنظر می‌رسد، ایده برابری ذاتی بجای تمرکز بر تعهدات طرفین متمرکز بر تعادل بین طرفین بوده و به مجرد صحت اراده و فقدان عیوب رضا قرارداد از این حیث عادلانه قلمداد می‌گردد و این موضوع را قرینه‌ای قانونی بر تعادل تعهدات مورد شناسایی قرار می‌دهند و از آنجاییکه عدالت انتزاعی فقط با اختلاف در موقعیت طرفین در هنگام انعقاد قرارداد مرتبط است لذا بعد از انعقاد قرارداد بصورت صحیح منعقد گردد مداخله طرفین را به بهانه برقراری تعادل محدود می‌نماید و در صورت فقدان تعادل امکان مداخله در قرارداد فراهم می‌گردد.

نقش جهت در قراردادها نیز نقش بی بدیلی بوده که ضمن ملازمه معنی جهت و شکل قرارداد با یکدیگر حمایت از اراده و تقویت آن و بیان این مهم است که مفروضات اراده بایستی بر پایه اراده مشروع و هدف غایی و عینی بوده که نقش مهمی در جهت قرارداد و حمایت از طرفین قرارداد و و تراضی آنهاست نقش احترام به قواعد قانونی بازی می‌نمایند.^۲ طرفداران مکتب سنتی اعتقاد دارند جهت تعهد یک طرف در جهت تعهد طرف دیگری است، تحت تاثیر اندیشه عدالت قوانین مدنی برخی از جنبه‌های عدم تعادل بین تعادل جهت قرارداد را از جنبه بطلان قرارداد مورد توجه قرار نمی‌دهند مانند غبن مادی و غرر یا برخی از قراردادها را علیرغم فقدان جهت قرارداد با فقدان تعادل همانند هبه و صلح عبارتی در کلیه تبرعات مجاز می‌دانند و قاضی را از تغییر عبارت قرارداد یا تعدیل آن منع نموده‌اند. علیرغم اینکه بین محل و جهت تداخل ملاحظه می‌گردد اما شناسایی مفهوم محل نسبت به سبب خیلی دشوار بوده زیرا قانون گذار شرایط و مقررات حاکم بر آن را تعیین می‌نماید، اما اختلافاتی که در مورد محل وجود دارد از این ناشی می‌گردد که محل رکنی از قرارداد بوده یا رکنی از تعهد و این اختلاف نظر موجب تشتت نظریات مختلف گردیده است.^۳ با این تفصیل رابطه قراردادی موضوع قرارداد از جنبه بررسی محل قرارداد این امکان را فراهم می‌سازد که جنبه‌های اقتصادی قرارداد مورد ارزیابی قرار گیرد و از جهت دیگر محل تعهد این امکان را برای بدهکار (متعهد) فراهم می‌سازد که به عدم اجرای تعهدات طلبکار (متعهدله) در مقابل موضع تعهد استناد نموده و بدو اجرای تعهدات او را درخواست نموده یا برائت خود را به دلیل عدم اجرای مفاد تعهد توسط متعهدله تحصیل نماید و از تعهدات قراردادی خود را برهاندبدین ترتیب این دو معنی می‌تواند بعنوان قرینه قطعی در راستای تعادل اقتصادی قراردادها مورد ارزیابی قرار گیرد.

لذا مطالب این بند به محل رابطه قراردادی و سبب رابطه قراردادی پرداخته می‌شود

¹⁹⁵ LASBORDES (V), Op-cit, P152

^۲ - محمد علی عبده، دور الشكل فی العقود (دراسة مقارنة)، منشورات زین الحقوقیة، لبنان، ۲۰۱۴، ص ۱۲۳ و همچنین ص ۲ همین منبع

^۳ برای مطالعه بیشتر به کتاب مفهوم المحل و السبب فی العقد تالیف محمد یحیی عبدالرحمن المحاسنه، انتشارات دارنهضه العربیه، القاهرة ف ۱۹۸۶، ص ۲۱-۲۰ مراجعه شود

محل رابطه قراردادی

اهمیت محل در روابط قراردادی بوده، زیرا طرفین وابستگی متقابل تعهدات طرفین یکدیگر را پوشش دهند و به تعبیر دکتر سنهوری اهمیت جهت به شکل خاص در تعهدات قراردادی جلوه گر بوده، زیرا در تعهدات غیر قراردادی قانونگذار خود تعهدات و التزامات را تعیین می‌نماید و سخنی از محل نیست و از طرفی دیگر در تعهدات غیر قراردادی (قهری) مجالی برای محل بعنوان شرط صحت قرارداد وجود ندارد که پیرامون آن بحث شود.^۱

محل قرارداد

محل قرارداد به مجموعه فرایند قانونی اطلاق می‌گردد که هدف از انعقاد قرارداد بوده لذا اگر آثار قرارداد ایجاد تعهدات باشد کلیه این تعهدات بایستی منتج به مقصود طرفین از انعقاد قرارداد گردد. بنابراین فرضیه تعادل بر این پایه استوار است که اگر محل قرارداد منتج به عدم تعادل گردد زوال قرارداد بدنبال خواهد داشت بعنوان مثال در قرارداد فروشی ثمن ثمن تعیین نگردد آیا امکان استناد به قرارداد فروش وجود دارد برخی پاسخ داده‌اند که در صورتی که در قرارداد ثمن تعیین نگردد امکان اینکه با بیع اراده خود از ملکیت مبیع صرفنظر نموده بدون اینکه عوض دریافت دارد یا حتی عوض با مبیع تناسب ندارد وجود ندارد از اینرو انتقال ملکیت صورت نخواهد گرفت وفق استدلال طرفداران مکتب سنتی قانون با توجه به اراده طرفین عملیات قراردادی را تا حد زیادی محدود می‌نماید البته این محدودیت تا زمانی با وجود عدم تعادل در صورتی قابل استناد بوده که طرفین بر آن توافق ننموده باشند لذا به مجرد غبن یکی از متعاقدين نمی‌توان به این مهم استناد نماید که در قرارداد مغبون گردیده است. برخی از حقوقدانان ضمن رد این نظریه با استناد به تصور ذاتی از غبن معتقدند امکان اینکه یکی از طرفین ارادی مغبون گردد وجود ندارد و تفاوت بین اجزای قرارداد مفروض بر اینست که اراده معیوب می‌گردد و در این زمان مجر به انعقاد قراردادی می‌گردد که موجبات ورود خسارت به یکی از طرفین می‌گردد این قرینه‌ای است مبتنی بر اینکه تصور غلطی بر او حادث گردیده یا قربانی تدلیس یا اکراه و سوء استفاده شده زیرا زمانی می‌توان بیان داشت که اراده او آزاد است که مبتنی بر شفافیت باشد و اگر قطعاً این شفافیت موجود بود تحت هیچ شرایطی مبادرت به انعقاد اینگونه قراردادی نمی‌نمود.^۲ غبن عبارتست از عدم تعادل بین آنچه که دریافت و پرداخت^۳ و همچنین برخی از حقوقدانان با اشاره به غبن بیان می‌دارند خیار غبن در اصطلاح حقوقی عبارتست از زیان ناشی از عدم تعادل بین عوضین در زمان معامله که به زیان دیده بعد از آگاهی به غبن حق فسخ می‌دهد و برخی از حقوقدانان ضمن تعریف غبن فاحش بودن را مورد توجه قرارداده‌اند^۴ در قانون مدنی فرانسه رابطه غبن و تراضی مورد پذیرش قرار گرفته و قانونگذار فرانسوی به این مهم در ماده ۱۱۱۸ قسمت تراضی و ذیل شروط اساسی صحت معاملات اشاره نموده است اما از دیدگاه قانونگذار غبن از اسباب عمومی بطلان قراردادها نبوده و صرفاً معاملات منعقد که مبتنی بر غبن بوده را معتبر نمی‌داند و این تلقی ناشی از همان پیروی از دیدگاه سنتی حاکمیت اراده بوده که بقای قراردادها را

^۱ - سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ج ۱، نظریه التزام بوجه عام، مصادر التزام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ب، ص ۱۷۰
^۲ J. Flour, J.L. Aubert, E. Saveaux, Droit Civil, Les Obligations, 1. L'acte Juridique, 13 ed dalloz, paris, 2008, n° 245, p.209

^۳ سنهوری، عبدالرزاق احمد همان منبع ص ۳۵۵

^۴ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل، ص ۳۱۶ و همچنین قاسم زاده، مرتضی، حقوق مدنی مختصر قراردادها و تعهدات و صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادها ج ۲ ص ۲۸۰

مورد تاکید و آثار قانونی را بر آن تحمیل می‌نمایند هرچند مبتنی بر غبن و تفاوت در ارزش عوضین وجود داشته باشد.^۱ قانون مدنی ایران نیز با پیروی از فقه امامیه در ماده ۴۱۶ غبن را مورد پذیرش قرار داده و از این جهت غبن را یکی از مباحثی مورد ارزیابی قرار می‌دهد که برهم زنده تعادل اقتصادی قرارداد بوده و اراده یکی از طرفین را معیوب می‌سازد و طرف بی اطلاع بر اساس تلقی باطل ذهنی خود مبادرت به انعقاد قرارداد می‌نماید.

فقه‌های اسلامی نیز غبن را یکی از جنبه‌هایی می‌دانند که اجزای قرارداد با هم تعادل نداشته و تفاوت بین ارزش عوضین قرارداد را فراهم کننده بی عدالتی و موجب فسخ می‌دانند
برخی از حقوقدانان به قاعده کلی استناد جسته و بر اساس آن ابراز می‌دارند تعادل زمانی است که عوضین مطلوب باشد و اگر مطلوب باشد آزادانه و آگاهانه انتخاب شده است.^۲

محل تعهد

علاوه بر محل قرارداد که اهمیت آن بیان شد محل تعهد نیز دارای اهمیت می‌باشد، برخی از حقوقدانان^۳ محل تعهد اینگونه تعریف نموده‌اند: (مجموعه عملاتی که بدهکار (متعهد) باید به نفع و مصلحت طلبکار (متعهدله) انجام دهد، مانند انتقال حق عینی یا اقدام به انجام عمل یا امتناع از انجام عمل.)^۴ برخی از حقوقدانان شناخت مدیون از التزام خود را لازم دانسته و قائل به این هستند که متعهد بایستی آگاه بر موضوع تعهد مانند انتقال ملکیت مبیع به خریدار و یا انجام عمل همانند تسلیم عین مستاجر توسط موجر به مستاجر و یا خودداری از انجام عمل بعنوان نمونه در تجارت مرسوم است که تجار با یکدیگر رقابت کنند اما تاجر متعهد به عدم رقابت می‌گردد.^۵ برخی از حقوقدانان بین شی و مال قائل به تفکیک بوده و شی را در کلیت خود دارای یک وجود اعتباری می‌دانند که وجود آن جدای موجودیت انسان باشد و این موجودیت ممکن است مادی باشد یا معنوی مانند مالکیت فکری و معنوی، حق اختراع، مالکیت صنعتی که مورد حمایت قانون می‌باشد بنظر می‌رسد در این خصوص خلط مبحث صورت گرفته باشد و صحیح نیست که محل حق را بدون داشتن حقوق مبتنی بر ضروریات آن بیهوده تلقی نموده زیرا حق جنبه کلی داشته ممکن انجام عمل باشد بدون اینکه شی انتقال یابد بهر جهت از جنبه دیگر تصور یکسان بودن شی و مال صحیح بوده زیرا همان گونه مال در معنای خود دلالت بر حقی دارد که دارای ارزش اقتصادی است و این حق اعم از شی یا عمل خواهد بود.^۶

قانونگذار فرانسوی در ماده ۱۱۲۶ برای محل قرارداد اهمیت ویژه‌ای بخشیده و بر این اساس در قراردادهای معوض داشتن فقدان محل را موجب بطلان قرارداد می‌داند، تاسیس دیگری که در ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی بیان گریده به متعهد له این حق را می‌دهد در صورتی که در محل قرارداد دچار اشتباه شود با استناد به ماده مذکور تقاضای ابطال قرارداد را نماید. اما مراد از اشتباه، تصویری غیر واقعی از موضوع قرارداد در ذهن یکی از متعاقبین بوده که برای

²⁰⁷ L. Bruneau, op. cit. n°354, p.316

²⁰⁷ R.Cabrillac, Droit des Obligations, 4ed Dalloz, Paris, 2000, n° 81, p.55. - J. Flour, J.L. Aubert, E. Saveaux, op. cit, n° 245, p.209

^۳ حسن عبدالرحمن، محمد، مشروعه المحل فی التشريعات العربیه، دار النهضة العربیه، القاهرة ۱۹۹۸، ص ۳۰

^۴ السنهوری، عبدالرزاق، نظریه العقد، ج ۱، منشورات الحلبي الحقوقیه، بیروت، ۱۹۸۸، ص ۱۳

^۵ کیره، حسن، المدخل الی القانون، مکتبه مکاوی، بیروت، ۱۹۷۷، ص ۸۲۶-۸۲۷

مبنای این تصور غیر واقعی مبادرت به انعقاد قرارداد نماید^۱، لذا این وضعیت به طرف این امکان را خواهد داد که به استناد این تصور غیر واقعی از تعهدات خود رجوع نموده زیرا هدف از بدست آوردن یک شی که برخلاف آن چیزی است که مدنظرش بوده و اشتباه تعهدات ناشی از قرارداد را با عدم تعادل موجه می‌سازد. فرض نمایید شخصی به تصور اینکه شتر مدنظرش شتری مسابقه‌ای است وجه شتر را نقدا پرداخت می‌نماید اما برخلاف تصورش شتری است که شرایط سواری دادن را داشته اما برای شرکت در مسابقات آن شرایط و توانایی و قدرت بدنی را ندارد در این وضعیت اشتباه در محل صورت گرفته و این اشتباه به طرف قراردادی که با اشتباه مبادرت به انعقاد قرارداد نموده این اجازه را داده که قرارداد را باطل نماید. قانون مدنی فرانسه برخلاف رویه قضایی در موضع اشتباه در محل قرارداد از معیار موضوعی پیروی می‌نماید و تمایل رویه قضایی به سمت معیار ذهنی بوده، از این رو کلیه اشتباهات در محل تعهدات از نظر قانون فرانسه مجالی برای ابطال قرارداد را فراهم نمی‌سازد و تنها اشتباه در جنس شی محل تعهد حق ابطال قرارداد را برای طرفی که ادعای اشتباه را دارد فراهم نموده و به همین جهت می‌باشد که اشتباه در قیمت محل تعهد را از این قاعده مستثنی نموده و اشتباه مبتنی بر قیمت را بر اساس قاعده غبن توجیه و همانطوری که بیان شد غبن بعنوان یک قاعده عمومی سببی از اسباب بطلان قرارداد نبوده بلکه صرفاً امکان حق فسخ را برای یک طرف می‌دهد که به این استناد معامله را فسخ نماید. گیستن^۲ معتقد است اشتباه در قیمت محل تعهد برآورد غلط اقتصادی براساس اطلاعات صحیح می‌باشد که بر این اساس یکی از متعاقدين با تصور غلط متضرر می‌گردد لذا برابری عوضین وجود ندارد^۳ و در این موارد تکلیف به تعیین قیمت جدید و مشتری ملزم به پرداخت ثمن واقعی می‌گردد اما قانون در جایی مداخله می‌نماید که تفاوت خیلی فاحش وجود دارد و این تفاوت از صفات جوهری محل تعهد محسوب می‌گردد. در روابط قراردادی اصل بر این است که تعادل بین طرفین وجود دارد و اگر قراردادی بین طرفین منعقد گردد اصل بر صحت و بقای تعهدات و اجرای آن بوده و به همین جهت گفته می‌شود که عدم تعادل بایستی توسط مدعی اثبات گردد. در ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران سخنی از محل قرارداد یا محل تعهدات به میان نیامده است اما برخی از اساتید حقوق بدون اشاراتی در این خصوص ضمنی به این مطلب اشاره نموده‌اند و معتقدند موازنه در ارزش عوضین لازمه عقود تملیکی معوض بوده و اگر متعاقدين عالماً عامداً این موازنه را بهم زنند بیع به صورت بیع محاباتی در می‌آید و آن از محل اصلی بحث در عقود تملیکی معوض (که رکن اقتصادی در مبادلات است) خارج است و در ادامه ضمن اشاره به خلل موازنه در معتقدند این خلل در موازنه لطمه به کیان عقد بیع وارد نمی‌نماید و در مورد تدلیس و عیب و غبن که مشتری جاهل به حقیقت امر بوده و همچنین در مواردی که هر دو از متعاقدين جاهل بر عیب باشند قائل به بطلان نبوده و معتقدند: (شاید ذوق سلیم اقتضاء بطلان کند ولی در این حال امنیت معاملات متزلزل می‌شود و قانونگذاران و شارع مقدس صلاح را در ابقاء عقد و دادن حق خیار به زیان دیده می‌بینند پس خیار عیب و غبن و تدلیس و تصریه و کذب، اساس در قانون ابقاء عقود

^۱ حسنین، محمد، الوجیز فی نظریه الالتزام، المؤسسة الوطنیه للکتاب، الجزائر، ۱۹۸۲، ص ۴۳

²¹³ Cass. Civ. 1er, 5 fevrier 2002, bull. civ. 1, n° 38.

²¹⁴ Ghestin

²¹⁵ - « une appréciation économique erronée effectuée à partir de données exactes » cité par L. Bruneau, op. cit. n°354, p.317.

دارد).^۱ و شاید بر همین اساس استاد بزرگوار جناب آقای دکتر صفایی به درستی متوجه این موضوع بوده و بیان می‌دارد: (در قانون مدنی ایران ماده‌ای نظیر ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی فرانسه که تعهد بدون جهت یا مبتنی بر جهت اشتباهی را بلا اثر تلقی کرده دیده نمی‌شود).^۲

سبب (جهت) رابطه قراردادی

در روابط قراردادی جهت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، فایده جهت توجیه اصل همبستگی تعهدات در قراردادهای دو تعهدی است، اصلی که در حقوق ما وجود دارد: در اینگونه قراردادها هرگاه تعهد یک طرف به علتی مانند نامقدور بودن یا نامشروع یا مجهول بودن موضوع باطل باشد شک نیست که تعهد طرف دیگر نیز باطل و کان لم یکن محسوب است چه قانونگذار در این موارد قرارداد را باطل شناخته است (مواد ۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۳۴۸ و ۳۶۱ قانون مدنی). لیکن برای توجیه این همبستگی میتوان به نظریه اراده یا قصد و رضا نیز که در حقوق ما بصراحت پذیرفته شده است متوسل شد: اگر تعهد یکی از متعاملین به علت بطلان تعهد طرف دیگر کان لم یکن شناخته میشود برای آن است که متعاملین چنین خواسته‌اند و اراده مشترک متعاملین بر همبستگی تعهدات بوده است.^۳ و بعبارتی تمایل قانونگذاران بر این است که تعهدات بدون جهت را باطل اعلام نمایند و بر تراضی طرفین قیدی وضع نموده، بنابراین صرف اراده طرفین در قراردادهای معوض از منظر قانونگذار اثری بر آن تحمیل نمی‌گردد البته در قراردادهای تبرعی چنین قیدی وجود ندارد و این مهم ناشی از موضوع قرارداد و هدف طرفین از تنظیم چنین قراردادهایی بوده اما در قراردادهای معوض با توجه به اهداف اقتصادی و اجتماعی که به اعتباری ابزاری برای مبادله ثروت محسوب می‌گردد و بنا بر همین دلیل قانونگذار فرانسوی^۴ صرف تطابق دو اراده برای انعقاد قرارداد کافی ندانسته و مقرر داشته قرارداد بایستی دارای جهت باشد. دوما و پوتیه معتقد به عینی بودن جهت بوده و به همین دلیل این حقوقدانان جهت تعهد را به جای جهت قرارداد در نوشتار خود مورد شناسایی قرار داده‌اند و برای هدف مستقیم قرارداد را ماهیت مادی قائل بوده که مختص به یک نوع از انواع قرارداد نبوده که افراد بتوانند آنرا تغییر داده زیرا این موضوع جزئی از ذات^۵ قرارداد محسوب می‌گردد.^۶ واضعین قانون مدنی فرانسه در ماده ۱۱۳۱ قانون مارالذکر تحت تاثیر افکار دوما و پوتیه از جهت تعهد سخن به میان آورده است. در حقوق فرانسه جهت تعهد را بر اساس معیار ذهنی ملاک عمل قرارداده و به همین دلیل برای جهت قرارداد اهمیت ویژه‌ای قائل گردیده و فرانسوی‌ها برای جهت دو جنبه یکی مادی و نوعی دیگری روانی و شخصی قائل شده و به همین دلیل بین جهت تعهد را از جهت معامله تفکیک و از نظریه جهت تعهد بیشتر در مورد فقدان جهت و نظریه جهت معامله در مورد نامشروع بودن آن استفاده می‌کنند جهت معامله طبق رویه قضایی این کشور قرارداد را باطل می‌کند. در حقوق اسپانیا (مواد ۱۲۸۴ تا ۱۲۷۷ قانون مدنی) و ایتالیا (مواد ۱۳۲۵ به بعد قانون مدنی ۱۹۴۲) در زمینه جهت از حقوق فرانسه

^۱ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل (تئوری موازنه)، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، سال ۱۳۹۷، ص ۲۲

^۲ صفایی، دکتر سید حسین، نظریه جهت در قراردادها، مقاله ۶ شماره ۰، زمستان ۱۳۸۶، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی

^۳ همان منبع

^۴ ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی فرانسه.

²²⁰ intrinsèque

²²¹ A. Benabent, Droit Civil, les Obligations, 6ème éd, montchrestien, Paris, 1997, p.120.

پیروی شده و قواعد مندرج در در قوانین مدنی این دو کشور مشابه موادی است که در قانون مدنی فرانسه آمده است.^۱ لیکن در قوانین مدنی ایران همانند قوانین مدنی آلمان و سوئیس از جهت تعهد (جهت نوعی) به عنوان شرط صحت قرارداد سخنی به میان نیامده است.^۲ اما آنچه که در قراردادهای معوض مورد توجه می‌باشد اینست که جهت تعهد هریک از طرفین براساس محل التزام طرف دیگری است و بر این مبنا هریک از طرفین تمایل دارند که که در مقابل طرف دیگر متعهد گردند. بنابراین جهت تعهد فروشنده انتقال ملکیت مبیع در مقابل تعهد به محل تعهد خریدار یعنی پرداخت ثمن می‌باشد و برعکس جهت تعهد مشتری پرداخت ثمن که ریشه در محل تعهد فروشنده به انتقال ملکیت مبیع است بنابراین برخی از حقوقدانان برای جهت تعهد چهره اقتصادی قائل بوده و جهت تعهد را که همان تحصیل منفعتی که قصد طرفین از انعقاد قرارداد بوده را با استناد به جنبه اقتصادی مورد توجه قرار داده‌اند.^۳ بنابراین نظریه‌های فوق در راستای اصل حاکمیت اراده بیان شده است که هرگونه دخالت قاضی را جهت بررسی جنبه ذهنی طرفین در قرارداد را منع می‌نماید و به تعبیر دکتر صفایی قانونگذار اصولاً کاری به اغراض و دواعی متعاملین که امری شخصی و مربوط به نفسانیات آنهاست ندارد. امنیت و استواری معاملات که مورد توجه همه قانونگذاران است اقتضاء میکند که به این گونه اغراض و دواعی ترتیب اثر داده نشود، مگر اینکه وارد قلمرو توافق و تراضی طرفین شده باشد.^۴ عبارت بیان شده صحیح و منطبق با واقع است زیرا اصل بقای معاملات حکم می‌نماید طرفین در حوزه قصد یکدیگر وارد نگردند و البته اگر قصد بیان شد و بعبارتی در قرارداد تصریح گردد جنبه شخصی و خصوصی خود را از دست داده و تکلیف قاضی بوده که بر مبنای صیانت از نظم عمومی در قرارداد مداخله و قرارداد را باطل نماید، حتی برخی از حقوقدانان عدم تصریح در قرارداد در صورت توافق طرفین را جزیی از عناصر قرارداد دانسته و بر همین اساس حکم به ابطال قرارداد را توسط قاضی لازم می‌دانند.^۵

طرفداران حاکمیت اراده ریشه تعهد هریک از طرفین را در جهت تعهد طرف مقابل دانسته از این رو در صورت وجود جهت تعهد قرارداد را صحیح قلمداد، حتی در صورتیکه قسمتی از جهت تعهد در ذمه مالی طرف مقابل قرارگیرد و جنبه غیر معوض به خود بگیرد اما بایستی به این نکته اساسی توجه نماییم که در صورتی که جهت تعهد کلاً وجود نداشته یا معدوم گردد قانونگذار اثر عقد را ملغی می‌نماید حتی در صورتی که قرارداد در هنگام انعقاد بصورت صحیح منعقد شده باشد. قانونگذار ایران علاوه بر موارد مذکور جهت قرارداد را در تعهدات خارج از قرارداد را نیز مورد شناسایی قرار داده و بعضاً احکام موارد فوق به این امر تسری یافته است.^۶

بنابراین قراردادها به حکم اصل ثبات قراردادها برای هریک از طرفین و قاضی لازم الاجرا بوده و تفاوت در اجزای قرارداد مادام که ناشی از اراده واقعی و طرفین از سلامت کامل برخوردار باشند محمول بر صحت می‌باشد. این موضوع در شعبه اول دادگاه تجدیدنظر فرانسه در یکی از آراء صادره بتاريخ ۴ ژوئیه ۱۹۹۵ در قانون توجه قرار

²²²⁻ Gaudemet(E) . Theorie generale des obligations, paris 1961 p 135

به نقل از دکتر صفایی همان منبع .

^۲ دکتر صفایی، همان منبع

²²⁴ - A. Benabent, Droit Civil, les Obligations, 6ème éd, montchrestien, Paris, 1997, p.120.

^۴ صفایی همان منبع ص ۸۴

^۵ همان ص ۸۴

^۶ مواد ۲۲۹، ۲۳۷، ۲۳۹، ۳۷۲ قانون مدنی ایران و همچنین مواد ۳۰۱ به بعد قانون مذکور در خصوص الزامات خارج از قرارداد

گرفته است، قضیه از این قرار بوده است که خریداری قطعه جواهری را با قیمت غیر حقیقی و نازل تر از قیمت واقعی از فروشنده خریداری می‌نماید، فروشنده به جهت عدم تناسب ثمن دریافتی با قیمت واقعی مبادرت به طرح دعوی بطلان معامله به استناد جهت قرارداد می‌نماید، دادگاه مذکور قرار رد تجدیدنظرخواهی فروشنده را صادر و فروشنده تقاضای فرجام خواهی در دیوان فرانسه را طرح می‌نماید و دیوان رای صادره از دادگاه تجدیدنظر را تایید و اعلام می‌نماید حتی اگر ارزش جواهرات بالاتر از قیمت واقعی باشد قرارداد به دلیل عدم تناسب قیمت و غیر قابل اغماض بودن ثمن باطل نمی‌گردد. آرای صادره نشان از این دارد وجود جهت قرینه‌ای است اصلی همبستگی اجزای قرارداد و همین که به اندازه این اجزا تکافوی تساوی تعهدات را فراهم سازد اصل صحت قرارداد برتری دارد و اتکای به این اصل مداخله در قرارداد به بهانه برقراری تعادل منع می‌نماید.^۱

نتیجه‌گیری

در عصر حاضر نظام برنامه‌ریزی سنتی با چالش‌های متنوعی مواجه است. مقیاس و شدت مشکلات شهری و منطقه‌ای غالب در سراسر جهان نشان می‌دهد که فرآیندها و شیوه‌های برنامه‌ریزی فعلی نمی‌تواند به شکل کارآمدی اهداف اصلی‌شان را محقق سازد. از دلایل اصلی این امر می‌توان به مواردی همچون تغییر، پیچیدگی و عدم قطعیت در جامعه، فقدان یک رویکرد یکپارچه از عناصر فیزیکی با ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، جهت‌گیری کوتاه‌مدت در حرفه برنامه‌ریزی، منسوخ شدن مدل پیش‌بینی بر اساس روندهای تاریخی و نیز همکاری محدود ذی‌نفعان بخش‌های عمومی و خصوصی در فرآیندهای برنامه‌ریزی اشاره کرد.

برنامه‌ریزی منطقه‌ای فرآیندی برای تلفیق برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با بعد منطقه‌ای در جهت تعادل بخشی میان سه عنصر انسان، فعالیت‌ها و فضا، در درون و بین مناطق به منظور دستیابی به الگوی آمایشی مناسب و پایدار است. همچنین؛ تحلیل اقتصادی حقوق با بررسی اقتصادی، هزینه و فایده، قواعد حقوقی، نقایض قانون را به قانگذار می‌نمایاند. هزینه‌های ناشی از یک قانون نادرست را معین و منافع حاصل از قانونی مناسب را آشکار می‌سازد. به طور کلی مباحث کارایی اقتصادی به طور مستقیم در قواعد حقوقی اعمال نمی‌گردد بلکه با تبیین نظریه خود در نهادهای مختلف باعث می‌گردند تا قانون‌گذار و قضات از آن الهام بگیرند. وجود نگاه‌های تحلیل اقتصادی، باعث خواهد شد تا قانون‌گذار قبل از اقدام به تقنین به بررسی هزینه و فایده آن برای جامعه بپردازد. دانستن هزینه‌های محتمل حتی در صورت عدم پیروی از قاعده کارایی اقتصادی، این مزیت را خواهد داشت که قانون‌گذار خواهد دانست که به چه میزان به آن جامعه هزینه وارد کرده است یا نفع رسانده است. در واقع موضوع برنامه ریزی منطقه‌ای تحت تأثیر مقتضیات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور، مرتباً دچار تحول و تغییر شده و در این میان گاه به عنوان ابزاری برای سرمایه‌گذاری در مناطق توسعه نیافته، گاه به عنوان ابزاری برای تمرکز سرمایه‌گذاری در مناطق مستعد، زمانی برای منطقه‌ای کردن برنامه‌های بخشی، و زمانی هم به صورت برنامه ریزی جامع منطقه‌ای و مانند این‌ها مورد استفاده بوده است. نوسان در مفهوم و کارکرد برنامه ریزی منطقه‌ای در ایران ریشه در موانع ساختاری کشور چه در دوران قبل و چه بعد از انقلاب دارد. ساختار تمرکز گرای روزافزون و تسلط روبه

²²⁸ Cass. Civ. 1re , 04 juillet 1995, bull. Civ 1, n° 303.

برنامه ریزی از بالا به پایین، رویکرد بخشی در برنامه‌ریزی‌ها، ابهام در جایگاه قانونی و ضمانت اجرایی برنامه ریزی منطقه‌ای، عدم اعتقاد به برنامه ریزی و فقدان فرهنگ برنامه ریزی و برنامه‌پذیری در سطوح مختلف مدیریت کشور، نبود بسترهای لازم و مطلوب به منظور جلب مشارکت مردم و بخش خصوصی و نظایر این‌ها از جمله موانع اساسی در راه تکامل برنامه ریزی منطقه‌ای در ایران بوده است.

منابع

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل (تئوری موازنه)، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، سال ۱۳۹۷، ص ۲۲
- حسن عبدالرحمن، محمد، مشروعه المحل فی التشريعات العربیه، دار النهضه العربیه، القاهره ۱۹۹۸، ص ۳۰
- دادگر، یدالله، درآمدی بر تحلیل اقتصادی حقوق، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم، چاپ دوم، سال ۱۳۹۰، ص ۲۶.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ج ۱، نظریه التزام بوجه عام، مصادر التزام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ب، ص ۱۷۰
- صفایی، دکتر سید حسین، نظریه جهت در قراردادها، مقاله ۶ شماره ۰، زمستان ۱۳۸۶، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی محمد علی عبده، دور الشكل فی العقود (دراسة مقارنة)، منشورات زین الحوقیه، لبنان، ۲۰۱۴، ص ۱۲۳ و همچنین ص ۲.
- محمد یحیی عبدالرحمن المحاسنه. مفهوم المحل و السبب فی العقد، انتشارات داراننهضه العربیه، القاهره ف ۱۹۸۶، ص ۲۰-۲۱
- Cabrillac, Droit des Obligations, 4ed Dalloz, Paris, 2000, n° 81, p. 55. - J. Flour, J. L. Aubert, E. Saveaux, op. cit, n° 245, p. 209
- Flour, J. L. Aubert, E. Saveaux, Droit Civil, Les Obligations, 1. L'acte Juridique, 13 ed dalloz, paris, 2008, n° 245, p. 209
- Kaplow L, Shavell S, Fairness Versus Walfar, Cambridge, Massachusetts, Harvard University press, 2002, p21
- Kaplow L, Shavell S, Why the legal System is Less efficient than the income tax in redistributing income, Legal Study 23, 1994, p. 667 .
- Kennedy, D, Distributive and Paternalist Motives in Contract and Tort Law, With Special Reference to Compulsory Terms and Unequal Bargaining Power, (1982) 41 Maryland Law Review, Study Group on Social Justice in European Private Law, Social Justice in European Contract Law: a Manifesto, European Law Journal, Volume 10 No. 6, November 2004, p. 667 .